

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاریخ انقلاب اسلامی

# بررسی فراماسونری در ایران

سلیمان تنهادخت اطاقوری

۹۰/۲/۱۹

## فهرست

- ۳..... خلاصه
- ۴..... فراماسونری چیست؟
- ۵..... روتاری و لاینز چیست؟
- ۶..... تاریخچه فراماسونری در ایران
- ۶..... دوره اول: از آغاز نفوذ فراماسونری تا روی کار آمدن رضاشاه
- ۷..... فراموشخانه
- ۸..... مجمع آدمیت
- ۸..... فعالیت رسمی
- ۹..... برخورد علما و روحانیون عصر قاجار با فراماسونری
- ۹..... انحراف در مشروطه
- ۱۲..... دوره دوم: از سلطنت رضاخان تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش
- ۱۲..... دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش تا پیروزی انقلاب
- ۱۴..... مخالفان و رقبای سازمان سازمان فراماسونری
- ۱۵..... بررسی لژهای فراماسونری در عصر پهلوی
- ۱۶..... دوره چهارم: بعد از انقلاب اسلامی
- ۱۷..... فراماسونهای مشهور ایران

## خلاصه

فراماسونری به عنوان تشکیلاتی منسجم، مرموز و در هم پیوسته با مراکز جهانی قدرت سیاسی،



پدیده‌ای است که از قرن هجدهم به بعد و در پیوند با رویکرد استعماری تمدن غرب و مراحل تاریخی شکل گیری آن به وجود آمده است. این تشکیلات در سازگاری با نقش تاریخی ویژه‌ای که در لوای شعار « برادری، برابری، آزادی»، و « نوع دوستی» و در مراحل بعدی « ایجاد حکومت جهانی» ایفاگر آن بود، گام به گام با نفوذ استعماری دول غربی در عالم توسعه یافته به سازمانی جهانی بدل شده است.

شکل ۱- آرم گونیا و پرگار و چشم جهان بین از نماد

فراماسونری شالوده‌ی نظری خود را بر مبنای فکری های مشهور فراماسونری (منبع)

بورژوازی غربی و تضادهای نظری و عملی آن با فئودالیت استوار گردانیده است؛ به طوری که سابقه مخالفت آن با نظام فئودالی و حاکمیت کلیسا، وجهه‌ای انقلابی و تحول طلب بدان می‌بخشید. اما این خصوصیات وقتی در کشورهای دیگر موثر واقع می‌شد، دیگر رویدادی سودمند به حساب نمی‌آمد. بلکه ترفندی برای گسترش نفوذ دول استعماری بود. با تکیه به همین وجهه انقلابی بود که فراماسونری طی دوره اولیه نفوذ خود در کشورهای دیگر و به خصوص مستعمرات، توانست با طرح شعارهای جذاب بسیاری از نیروهای موثر اجتماعی کشورهای تحت سلطه را به سوی تشکیلات رمزی خود بکشاند و آنان را به منظور برآورده ساختن اهداف استعماری سازماندهی کند.

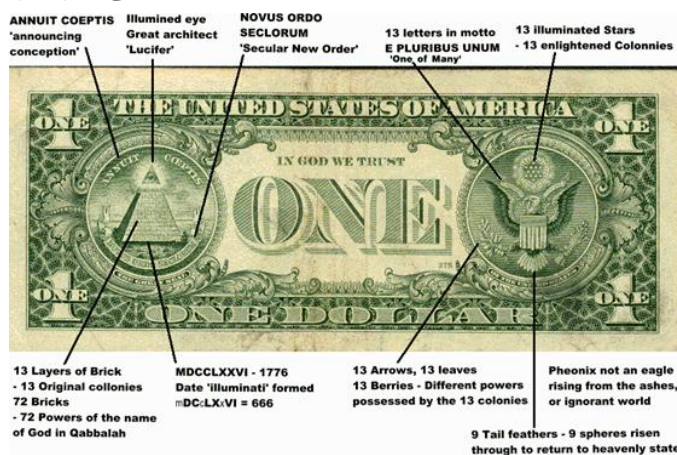
از طرف دیگر ریشه داشتن آداب ماسونی در آموزه‌های یهود و تورات، فراماسونری را با صهیونیسم و منافع آن پیوندزده است و آن را در تعارض با منافع کشورهای اسلامی قرار داده است. همین امر باعث مخفی کردن اسرار و رموز فراماسونری و نحوه سازماندهی آن در ممالک اسلامی بوده است.

و ما در این مقاله قصد داریم به بررسی فراماسونری و نقشی که در ایران ایفا کرده است بپردازیم.

## فراماسونری چیست؟

لفظ فراماسون در زبان انگلیسی فری میسون<sup>۱</sup> به معنای « بنای آزاد » است. درباره خواستگاه فراماسونری نظریات مختلفی که بیشتر ریشه در داستان‌ها و افسانه‌ها دارد تا واقعیات، ابراز داشته اند. عده‌ای پیدایی آن را به زمان حضرت آدم رسانده و برخی دیگر سابقه پیدایی آن را به زمان حضرت سلیمان و اتحادیه بنایان معابد منتسب ساخته‌اند<sup>۲</sup>. به نظر می‌رسد چنین نظریات که از طرف خود سازمان‌های فراماسونری و نویسندگان ماسون ابراز میشود بیشتر جنبه مشروعیت بخشی برای تشکیلات دارد تا بیان واقعیت.

به نظر صاحب نظران ضرورت حفظ اسرار شغلی و حفظ موقعیت و طبقه اجتماعی در گذشته، بنایان را به تجمع در مکانهایی به اسم لژ وادار میکرد. در سالهای حدود ۱۶۰۰ به دلایلی کم کم



زمینه زوال فراماسونری حرفه‌ای و جایگزینی فراماسونری فلسفی و علمی فراهم شد<sup>۳</sup>. و شخصیت‌های غیر بنا به عنوان ماسون پذیرفته میشدند. روند کلی این انتقال از فراماسونری عملی به علمی تا قرن ۱۸ ام ادامه داشت و در قرن ۱۸ ام فراماسونری کاملاً تبدیل به فراماسونری علمی شد.

شکل ۲- اسکناس یک دلاری، سرشار از نمادهای ماسونی

فراماسونری از این مرحله به صورت ابزار دست قدرت‌های استعماری به ویژه انگلستان قرار گرفت.

فراماسونری نظری با اتحاد چهار لژ بزرگ انگلیس به اسم لژ بزرگ انگلستان در سال ۱۷۱۷ به وجود آمد<sup>۴</sup>. پیشرو و بنیان‌گذار چنین تشکیلاتی دزاگولیه، کشیش مسیحی بود. وی با کمک یار و همکارش دکتر جیمز اندرسن در سال ۱۷۲۳ م اقدام به تهیه و تدوین قانون اساسی فراماسونری کرد. تدوین قانون اساسی توسط لژ بزرگ لندن و سامانمند و قانونمند کردن تکاپوهای خود، ابتکار عمل در مورد سایر لژهای موجود در فرانسه و آلمان را در دست سازمان فراماسونری انگلیس قرار

۱. Free Mason .

۲. رائین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۴۱.

۳. نایت، استفن، برادری، ترجمه فیروزه خلعتبری، چاپ سوم، تهران، شباویز، ۱۳۶۸، ص ۲۶.

۴. رائین، اسماعیل، همان کتاب، ج ۱، ص ۶۷.

داد. پیشرفت‌های تکنولوژیکی و ظهور انقلاب صنعتی در آن کشور، تداوم رهبری آنها و پیروی و اطاعت سایر لژها را تثبیت کرد.<sup>۵</sup>

## روتاری و لاینز چیست؟

روتاری و لاینز از پدیده‌های نوظهور نظام سرمایه داری به شمار می‌رود. اگر بتوان انجمن‌های فراماسونری را مظهر مبارزه با نظام غیر متمرکز فئودالیت به شمار آورد که از بطن رنسانس پدید آمد و در قرن هیجدهم میلادی به عنوان ابزار دست بورژوازی انگلستان و تفکر استعماری آن امپراتوری شد. اما در آستانه قرن بیستم و اوایل آن بتدریج در نظام سرمایه داری غرب نقل و انتقالاتی در تغییر قطب‌ها و سردمداران آن به چشم می‌خورد. آفتاب امپراتوری انگلیس رو به غروب نهاده بود اما نظام سرمایه داری موفق به تربیت جانشین قوی تر برای رهبری و هدایت آن نظام شده بود. این بار نوبت سکنداری کشتی نظام سرمایه داری غرب به آمریکا رسید.

به دنبال تغییر در کادر رهبری جهان سرمایه داری ضرورت تجدید نظر در ابزارهای معرفی رهبر جدید نیز احساس می‌شد. زیرا دیگر با چوب بست‌ها و ستون‌های کهنه، یعنی فراماسونری، که حتی در خود غرب البته از طرف گروهی مخالف با سرمایه داری، به صورت معبدی اسرار آمیز و محفلی تنفر آمیز درآمده بود، نمیتوان بنای محکم و استوار برپای داشت. از این روی باشگاه‌های جدیدی با عناوین و نام‌های مختلف از جمله « روتاری » و « لاینز » و « کی وان » و « لاینز کلوپ » به عنوان ابزار دست نظام سرمایه داری به وجود آمد.

تفاوت باشگاه‌های روتاری و لاینز با فراماسونری، تفاوت در ماهیت سازمانی آن نیست، بلکه در ساختار اجرایی و صور ظاهری آن می‌باشد. دو باشگاه مذکور برخلاف انجمن‌های ماسونی، که پنهان کاری سایه بر فعالیت‌های آن پرداخته و به دنبال آن شک و تردید در بین محققان طرفدار و مخالف ایجاد کرده بود، محافلی علنی بودند و با مجوز رسمی مقامات اجرایی هر کشور تشکیل می‌شدند.

عضویت و حضور زنان در باشگاه‌های روتاری و لاینز برخلاف انجمن‌های ماسونی آزاد بوده و حتی باشگاه‌های روتاری و لاینز مخصوص زنان نیز وجود داشته. تفاوت دیگر انجمن‌های ماسونی با روتاری و لاینز در جامعه‌ی اعضای آن است. ماسونها بیشتر از قشر روشنفکر و تحصیل کرده انتخاب

۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونها، روتارین ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷.

میشدند. در حالی که هدف باشگاه‌های روتاری و لاینز بیشتر افراد با مشاغل آزاد و با نفوذ و متمکن و مدیرکل‌ها و تکنوکراتها بود.<sup>۶</sup>

## تاریخچه فراماسونری در ایران<sup>۷</sup>

تلاش‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی انجمن‌های ماسونی در ایران را از میزان و نحوه فعالیتشان به چهار دوره مشخص میتوان تقسیم کرد:

دوره اول: از آغاز نفوذ فراماسونری تا روی کار آمدن رضاخان

دوره دوم: از سلطنت رضاخان تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه‌ش

دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه‌ش تا پیروزی انقلاب

دوره چهارم: بعد از پیروزی انقلاب

### دوره اول: از آغاز نفوذ فراماسونری تا روی کار آمدن رضاشاه

فعالیت‌های فراماسونری در این دوره محدود به عضویت برخی از روشنفکران و سیاست‌مداران ایرانی



در محافل ماسونی انگلیسی و فرانسوی و فعالیت نیمه رسمی و شاید غیرقانونی محفل شبه ماسونی میرزا ملکم‌خان و مجمع آدمیت عباسقلی خان آدمیت بوده است. محافل شبه ماسونی نقش موثر در تحکیم پایه‌های استعمار انگلیس در ایران داشته و هم اندیشه استبداد ستیزی و آزادی خواهی و حکومت قانونی به سبک اروپایی را به عنوان ارمان تمدن جدید غرب به ایران آوردند.

اولین شخصیت ایرانی عضو سازمان فراماسونری، عسگرخان ارومی

نماینده ایران در پاریس و عاقد قرارداد فین کنشتاین در ۱۲۲۲ ه‌ق /

۱۸۰۷ م بوده است. دومین شخصیت سیاسی ایران که اسناد متقن در

مزدوری و حقوق بگیری وی از انگلیس وجود دارد، میرزا ابولحسن خان شیرازی (ایلچی) خواهرزاده

شکل ۳- عسگرخان ارومی افشار اولین فراماسون ایرانی  
وسفیر فتحعلیشاه در دربار ناپلئون- این تابلوی نقاشی از او  
اثر خانم واون از نقاشان معروف اوایل قرن نوزدهم فرانسه  
است (کتاب راز بزرگ)

۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷،

ج ۱، ص

۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷،

ج ۱، ص ۱۵

حاجی ابراهیم خان کلانتر - از وزرای مهم عهد زندیان و قاجاریان - می باشد. وی اولین سفیر ایران در انگلیس و اولین شخصیت ایرانی عضو فراماسونری انگلیس بوده است.

از هیئت پنج نفری دانشجویان اعزامی نیز میرزا صالح شیرازی و میرزا جعفر فراهانی نیز به عضویت لژ لندن در آمدند. ورود پراکنده ایرانیان، که بیشتر آنها با ماموریت سیاسی دولتی به اروپا رفته بودند، به لژهای فراماسونری اروپایی هرچند عوامل آشنایی آنها را با سازمانها و ایدئولوژیهای جدید غربی را فراهم ساخت امام هیچکدام باعث تاسیس لژ نشد.

آشنایی و آگاهی روشنفکران و تحصیل کردگان ایرانی با اندیشه فراماسونری در سطحی گسترده و فراگیر با تشکیل انجمن شبه ماسونی میرزاملکم خان جدیدالاسلام ( میرزا ملکم خان یهودی الاصل بود و بعد چندی دوباره اعلام ارتداد کرد<sup>۴</sup> ) پسر میرزا یعقوب خان ارمنی به نام « فراموشخانه » و به دنبال آن « مجمع آدمیت » عباسقلی خان آدمیت، کامل شد. میرزا ملکم خان سالهای طولانی در اروپا سیر و سیاحت کرده و مناصب سیاسی متعددی از طرف دولت ایران در اروپا و عثمانی داشته است، در بازگشت به ایران در سال ۱۲۷۵ انجمن فراموشخانه را بنیان نهاد.



شکل ۴- میرزا ابوطالب  
اولین ایرانی که به مجامع  
فراماسونری در انگلستان راه  
یافته است

راههای دیگر آشنایی ایرانیان با سازمانهای فراماسونری، علاوه بر اروپا، از طریق عثمانی هندوستان و آسیای میانه می باشد. رفت و آمد بازرگانان ایرانی به هندوستان و آسیای میانه، موجب آشنایی ایرانیان با تفکرات و ایدئولوژیهای جدید غرب شد. برای مثال عبداللطیف شوشتری در کلکته و احمد دانش از طریق آسیای میانه با اندیشههای فراماسونری آشنا شده بودند.

### فراموشخانه

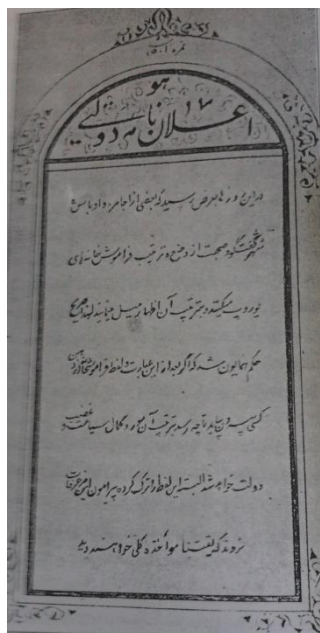
تا زمان ملکم خان، فراماسونری در ایران منحصر به عضویت برخی ایرانیان سرشناس در لژهای اروپا و عثمانی و هندوستان بود. اما در پی شکستهای پی در پی ایران از روسیه در صحنه‌های نظامی و تحمیل قراردادهای ننگین به ایران برخی روشنفکران ایرانی را به ریشه‌یابی این ضعفها واداشت. در نهایت آنها استبداد شاهی و نبودن قانون، مجلس و آزادی را عامل این ضعفها معرفی کردند.

میرزا ملکم خان رساله‌ای تحت عنوان « کتابچه غیبی » درباره « تنظیمات » و اصول و قواعدی به سبک عثمانی به ناصرالدین شاه و صدر اعظم وی نوشت. ناصرالدین شاه اگرچه که از لحاظ روحی

۸. آدرس اینترنتی

روانی آماده پذیرش این پیشنهادها بود ولی گروهی از اشراف و سیاستمداران کهنه کار، که هرگونه اصلاحی را در ساختارهای سیاسی، اداری را به ضرر خود میدانستند شاه را از پذیرفتن این پیشنهادها برحذر داشتند.

میرزا ملکم خان نیز در برابر ای دسیسه‌ها و توطئه‌ها ساکت ننشسته، برای ایجاد پایگاهی برای نظریات خود در بین تحصیل کردگان و روشنفکران و ایجاد آمادگی در اذهان عمومی، به تقلید از اصول فراماسونری فرانسه فراموش‌خانه‌ای تاسیس کرد که غالب اعضای اولیه آن را شاگردان دارالفنون و اشخاص صاحب نظر ناراضی تشکیل میدادند. و رهبری این انجمن با میرزا یعقوب خان ارمنی، پدر میرزا ملکم خان بود.



شکل ۵- اعلان تعطیل فراموشخانه که در اوایل سلطنت ناصر الدن شاه منتشر شد

مخالفت گروهی از شخصیت‌های متنفذ درباری با تشکیلات فراموشخانه، باعث شد که ذهن ناصر الدین شاه نسبت به فعالیت‌های مخالف دولت و سلطنت این عده مشوش شود و پس از سه سال، فراموشخانه تعطیل شود و میرزا یعقوب ارمنی به دمشق تبعید شود.

### مجمع آدمیت

میرزا ملکم خان از زمان تعطیلی فراموشخانه تا تبعیدش به عثمانی فعالیت خود را تحت عنوان مجمع آدمیت، آن هم به صورت غیر مستقیم ادامه داد. این مجمع توسط یکی از پیروان وی به اسم عباسقلی خان آدمیت، زیر نظر وی بوجود آمد و دنباله فراموشخانه بود. اما این مجمع نیز بعد از ترور ناموفق محمدعلی شاه و مرگ میرزا ملکم خان نیز تعطیل شد.

### فعالیت رسمی

فعالیت رسمی فراماسونری در ایران با نظامی منسجم و منضبط از زمان تشکیلی لژ بیداری ایرانیان در ۱۹۰۸ م با اجازه رسمی لژ بزرگ شرق فرانسه و شورای عالی فراماسونری فرانسه و با اجازه رسمی محمدعلی شاه در تهران آغاز شد. و نخستین عضو آن ادیب الممالک فراهانی بود که شعری در این زمینه مرکب از ۵۹۳ بیت سرود.<sup>۹</sup>

۹. راثین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲، صص ۴۵۴ - ۴۷۸

بعد از چندی محمدعلی شاه که درصدد برافراشتن پرچم استبداد و بستن مجلس بود لژ را تعطیل کرد. اکثر رجل سیاسی - علمی ایران در دوره مشروطیت در این لژ عضویت داشتند.

### برخورد علما و روحانیون عصر قاجار با فراماسونری

ورود پدیده‌های غربی به ایران از همان اوایل دروه قاجار حساسیت علما را برانگیخت. اما آنها به دلیل متعدد قادر به اتخاذ تصمیم واحد و هماهنگ نبودند. علما و روحانیون مخالف جریان فراماسونری در ایران، نوک حمله‌های خود را بیشتر بر اقدامات علمی ماسونهای که در صدد وابسته کردن ایران به بورژوازی انگلیس بودند، متمرکز کرده و با آن به مبارزه برخاستند. حاج میرزا ملاعلی کنی، یکی از روحانیان متنفذ تهران عهد ناصری، دشمنی سخت خود را با جریانات فراماسونری در جامه مخالفت با امتیاز رویترز متجلی ساخت. وی در نامه‌ای به ناصرالدین شاه صریحاً به فراموش خانه اشاره کرده است. وی در نامه‌اش ضمن محکوم کردن اقدامات تردستانه و «شعبده‌های زیادی که میرزا ملکم خان در اروپا یاد گرفته بود، بار دیگر به ناصرالدین شاه یادآوری میکند که وی با «این تزویر و شعبده در خیال تصاحب ملک و دولت و اضمحلال مذهب و ملت است»<sup>۱۰</sup>. همچنین بعضی علما نیز از انتخاب میرزا ملکم خان به سمت مشاور صدر اعظم، به شدت مخالفت کردند.

### انحراف در مشروطه<sup>۱۱</sup>

بعد از مرگ ناصرالدین شاه و ترور او، فضا برای فعالیت جمعیت‌های سرّی فراهم می‌شود؛ چون مظفرالدین شاه، آن اقتدار ناصرالدین شاه را نداشت. از طرف دیگر، در دربارش افراد نفوذی از فراماسون‌ها حضور گسترده‌ای داشتند. تشکّل‌های مخفی در دوره مظفرالدین شاه فعال می‌شوند. در آستانه انقلاب مشروطه دو جریان عمده در کشور قابل مشاهده است: یک جریان، جریان روشن فکری است که از ابتدای قاجار تقریباً فعالیت خود را شروع می‌کند و دو طیف عمده دارد: یک طیف، الحادی است که آخوندزاده در رأس آن می‌باشد، و یک طیف، منافق است که ملکم خان آن را اداره و رهبری می‌کند. تعداد زیادی از مشروطه خواهان در طیف دوم قرار دارند؛ یعنی ابتدا با ظاهر اسلامی و با اعلام این که مشروطیت همان برقراری اصول اسلامی است، وارد صحنه می‌شوند.

این گروه اضمحلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران در دستور کارشان قرار داشت؛ به همین دلیل ملکم خان، میرزا حسین خان سپهسالار و تعداد دیگری از فراماسون‌ها در عرصه اقتصادی سعی می‌کردند پای فراماسون‌ها و کمپانی‌های غربی را به ایران باز کنند. از قرارداد رویترز تا بحث رژی، و

۱۰. تیموری، ابراهیم، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، چاپ چهارم، تهران، اقبال، ۱۳۶۱، ص ۱۲۵

۱۱. [آدرس اینترنتی](#)

تنباکو تا بانک شاهنشاهی و مسایل دیگری که اینان در کشور ما به وجود آوردند، موجب نابودی استقلال اقتصادی شد.

در عرصه فرهنگی، نبرد با تشیع و روحانیان شیعه در دستور کار آن ها قرار گرفت که در این صحنه نیز همان دو روش را به کار گرفتند: فردی نظیر میرزا آقاخان کرمانی یا آخوندزاده صراحتاً به روحانیان و به تشیع حمله می کرد. آنان می کوشیدند ایران دوره باستان را در آثار و نوشته های خود احیا کنند. در طیف دیگر شخصی نظیر ملکم، همان روش منافقانه را دنبال می کند و می کوشد به روحانیان درجه دو و سه شیعه نزدیک شود که در بخشی نیز موفق بود. ملکم خان توانست تعدادی را همراه خود کند که اتفاقاً این بخش در مشروطه فعالیت چشم گیری داشتند.

ناگفته نماند که منظور از روحانیان شیعه، افرادی غیر از مراجع شیعه است؛ چرا که در سطوح دوم و مخصوصاً در سطوح سوم، هم نوایی برخی از روحانیان با این جریان را شاهدیم. البته عده ای از آن ها متوجه خطای خود می شوند (نظیر سید محمد طباطبائی) و از این همکاری اعلام پشیمانی می کنند و برخی هم تا آخر ادامه می دهند (شیخ ابراهیم زنجانی و افرادی نظیر او) و حتی به سمت بی دینی و الحاد هم پیش می روند.

به هر حال در این مقطع طیفی از روحانیان را می بینیم که تعدادشان چندان زیاد نیست؛ اما فعالند. از سوی دیگر یک طیف روحانیان آگاه شیعه نیز، هستند که با دو روش در این مقطع حضور دارند که هماهنگی و هم نوایی آن ها بعد از فتح تهران به خوبی محسوس است: یکی، جناح مرحوم آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری است که در مقابل بدعت گذاری جریان نفوذی در مشروطه موضع گیری می کند، و یک جریان، جریان حوزه نجف است که آیت الله آخوند خراسانی، میرزا عبدالله مازندرانی، میرزا حسین تهرانی نجل، میرزا خلیل و علمایی نظیر مرحوم نایینی در آن حضور دارند. آنان هم مانند حاج شیخ فضل الله، قصدشان آبادانی ایران، برپایی و اقامه احکام شرع در ایران و ... است؛ ولی در روش و مقام عمل با یک دیگر اختلاف دارند.

مرحوم حاج شیخ فضل الله معتقد است که روحانیان و نهضت می بایستی حسابشان را از جریان نفوذی جدا کنند و مشخص نمایند که چه می خواهند؛ اما طیف دیگر برخورد با آنان را به غلبه بر استبداد محمدعلی شاهی موکول می کنند. در مقام عمل با تردستی عوامل غرب گرا، نفوذ آنان در انجمن های مخفی و چالاکی شان در جذب و جلب افکار عمومی، نظریه علمای نجف در ایران با شکست مواجه می شود. در نتیجه هم مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری در تهران به دار آویخته می

شود، هم سید عبدالله بهبهانی کم تر از یک سال بعد از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله در تهران ترور می شود و به شهادت می رسد.

این دو جریان (روحانیان شیعه و روشن فکری غرب گرا) در این مقطع در برابر یک دیگر ایستادند. جریان غرب گرا می کوشید با ایجاد بحران یا با دامن زدن به بحران های موجود، فضای کشور را به سمت رادیکالیسم کور و افراطی بکشاند. در بحران بازار و چوب زدن تجار قند میرزا حسن رشدیه، علاءالدوله، حاکم تهران، را برای چوب زدن تجار تحریک می کند و می گوید اگر تجار را چوب بزنی، قند در تهران ارزان می شود. از طرف دیگر، شعاع السلطنه فراماسون، عین الدوله را برمی انگیزد تا بر مردم اعتراض کننده سخت بگیرد. بدین ترتیب با چوب زدن علاءالدوله و سخت گیری عین الدوله - که در هر دو فراماسونری نقش پنهانی دارد - یک بحران در مشروطه به وجود می آید. در جریان های دیگر نیز نقش فراماسونری قابل پی گیری است.

مسایل بعدی هم چون تحصن در سفارت انگلیس که به تحریک غرب گرایان به وقوع پیوست و آن چه در ابتدای مجلس در تدوین قانون اساسی متأسفانه شاهد آن هستیم، مسیر نهضت دینی مشروطیت را منحرف می کند. تحرک این افراد که در قالب سازمان فراماسونری لژ بیداری ایران منسجم شده بودند، هر دو طیف روحانیان را از سر راه برمی دارد و کشور در اختیار فراماسون های غرب گرا قرار می دهد. بعد از فتح تهران، عملاً همه ارکان کشور به دست فراماسون ها می افتد. نفوذ در مجلس و استفاده از امکانات آن، یکی از کارهایی بود که فراماسون ها انجام دادند و در به هم زدن اوضاع ایران نیز موفق بودند.

آنان در مطبوعات هم نفوذ کردند. مطبوعات این دوره در تخریب فضای فرهنگی - سیاسی ایران نقش بسزایی داشتند. روزنامه هایی چون «الجمال» که مطالب سید جمال واعظ را منتشر کرد، و «صور اسرافیل» که دهخدا و میرزا جهانگیرخان شیرازی در آن مطلب می نوشتند، و هر دو به لژ بیداری وابسته بودند و بعضاً انحرافات مذهبی داشتند؛ یعنی با فرقی ضاله هم مرتبط بودند. در تمام این جریان ها حضور فراماسونرها محسوس است .

در واقع بعد از فتح تهران ایران به اشغال سازمان فراماسونری درمی آید و آن ها عملاً با آشکار کردن کامل دیدگاه های افراطی خود، روحانیان اصول گرای شیعه - چه علمای نجف، چه علمای تهران - را کنار می گذارند، پای غربی ها را در ایران باز می کنند و صراحتاً به جنگ مفاهیم دینی می آیند. پس از مدتی تلاش، وقتی مقاومت مردم را مشاهده می کنند، تصمیم می گیرند که ساختار سیاسی - فرهنگی ایران را به یک باره تغییر دهند. ابتدا با کودتای ۱۲۹۹ خلع قاجاریه را

سامان می دهند و بعد با اقدامات ضد دینی رضا شاه، نابودی تشیع را در ایران هدف می گیرند که خوشبختانه توفیق زیادی در این زمینه به دست نمی آورند .

### **دوره دوم: از سلطنت رضاخان تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.ش**

ویژگی اصلی فراماسونری در این دوره، عدم مرکزیت و فقدان کانون اصلی ماسونی برای تنظیم امور و جهت دهی فعالیتها بوده است. با پیروزی انقلاب مشروطیت و گشایش مجلس شورای ملی فراماسون‌های ایرانی در صحنه‌های مختلف حکومتی حضور فعال یافتند و با کنار رفتن روحانیت از صحنه سیاسی و حکومتی پای روشنفکران ماسون هرچه بیشتر باز شد. با روی کار آمدن رضا خان و روحیه استبداد خوئی وی فعالیت لژهای فراماسونری از رونق افتاده و ایرانیان حق عضویت در لژها را نیافتند. و این محدودیت باعث شد که عضویت در لژهای فراماسونری محدود به عناصر خارجی شود.

اما این برخورد رضاخان با فراماسونری امری سوال برانگیز است. زیرا بر طبق اسناد و مدارک غیر قابل انکار هم رضاخان و هم سازمان فراماسونری به انگلستان وابسته بودند. حال سوال اینجاست که چرا رضاخان اجازه تاسیس لژ به ایرانیان نداد؟ پاسخ به این سوال به علت نبودن اسناد مشکل است اما باید گفت اقدامات تجددمابانه رضاشاه در راه ترویج فرهنگ غرب و مدرنیزه کردن ایران در راستای عملکرد سازمان فراماسونری بوده است از این رو انگلستان چندان نیازی به راه انداختن این سازمان احساس نمی‌کرد. ولی با این همه تعداد زیادی از مشاغل و مناصب حکومتی در دست فراماسون ها بوده که میتوان از سید حسن تقی‌زاده و محمدعلی فروغی و ... نام برد.

### **دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.ش تا پیروزی انقلاب**

فعالیت سازمان‌های ماسونی در این دوره با تشکیل لژ پهلوی وابسته به لژ بزرگ شرق فرانسه در سال ۱۳۳۰ مصادف با نخست وزیری دکتر مصدق و تشدید گرایشها و تمایلات ملی گرایانه در ایران و ملی شدن صنعت نفت، آغاز شد. با توجه به موافقت محمدرضا شاه با ترویج و اخذ الگوی غربی، فعالیت‌های فراماسونری با اجازه شخص وی آغاز شد. در این دوره کشمکش‌های سیاسی بین مخالفین و موافقان فراماسونری به عرصه مطبوعات کشیده شد. نشریات مخالف با درج مقالاتی در ارائه چهره وابسته فراماسونری، پایه و مبنای فکری آنها را زیر سؤال می‌بردند. اغلب این مقالات به صورت داستان از زشت کاری های ماسونها بود. در مقابل موافقان فراماسونری سعی داشتند چهره انسان دوستانه و آزادی خواهانه از آن به جامعه ارائه دهند.

در زمان محمدرضا شاه مرحله جدیدی در گسترش دامنه تکاپوهای فراماسونری نیز بوده است.



شکل ۶- نمای بیرونی ساختمان انجمن رازی که جلسات لژهای فراماسونری وابسته به لژ بزرگ ایران در آن تشکیل میشد

فعالیت انجمن‌های ماسونی در دهه سی و چهل شمسی را میتوان اوج تکاپوی آنها در ایران دانست. می‌توان گفت که هشتاد درصد انجمن‌های ماسونی و شبه ماسونی (لاینز و روتاری) در دهه‌ی فوق تشکیل یافته است و بقیه نیز در دهه‌های پیش و پس از این به وجود آمده است. فعالیت‌های انجمن‌های ماسونی در دهه پنجاه نسبت به دو دهه قبل از رونق کمتری برخوردار بود. دلیل آن را میتوان افزایش حرکت‌های

مذهبی و احزاب با گرایش قهر آمیز و آشکار شدن چهره واقعی فراماسونها، یعنی گرایش و وابستگی شان به فرهنگ و تمدن غرب دانست.

فراماسونری در دوره پهلوی دوم برخلاف خلف خود که در عصر مشروطه تجدد خواه و اصلاح طلب بودند پس از رسیدن به خواسته اصلی خود یعنی ایجاد حکومتی کاملاً وابسته به غرب، از آرمانگرایی ماسونی خود دست کشیدند. لذا فراماسونری در این دوره همچون ابزاری در دست تعدادی از شخصیت‌های پول پرست و جاه طلب درآمد بود. لذا فرمانروایان وقت هیچ نگرانی‌ای از تشکیل لژهای فراماسونری نداشتند. اجازه رسمی فراماسونری از محمدرضاشاه برای فعالیت بیانگر این است که فراماسونری وسیله‌ای برای تثبیت حکومت وی بوده است.

قبضه اکثریت کمیسیون‌های مجلس شورای ملی، کسب قدرت برتر و اکثریت در مجلس سنا تحت ریاست جعفر شریف امامی؛ اشغال مناصب و مشاغل رده بالای وزارت امور خارجه - از مدیر کلی بخشهای مختلف تا سفارت در کشورهای بزرگ چون آمریکا، انگلیس فرانسه، آلمان و غیره؛ در اختیار داشتن مناصب عالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش - از مقام وزیری تا استاد دانشگاهی و ریاست مناطق مختلف تهران؛ اشغال مقامات عالی در وزارت فرهنگ و هنر؛ وزارت اقتصاد، وزارت دادگستری به این شبکه سیاسی- فکری قدرتی مافوق قدرتهای موجود در جامعه بعد از مقام شاه می بخشید.<sup>۱۲</sup>

۱۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونها، روتارین ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷.

## مخالفان و رقبای سازمان فراماسونری

جریان فراماسونری در ایران یکه‌تاز عرصه سیاست و اقتصاد و اجتماع و فرهنگ نبودند. بلکه جریان‌های دیگر سیاسی، مهی و ایئولوژیکی با مسلک و طریقت فراماسونری مخالفت میکردند. که میتوان آنها را به سه دسته تقسیم کرد.

دسته اول: علما و شخصیت‌های دینی.

دسته دوم: ملی‌گرایان.

دسته سوم: صاحبان اندیشه‌های چپ و مارکسیستی.<sup>۱۳</sup>

## علما و شخصیت‌های دینی

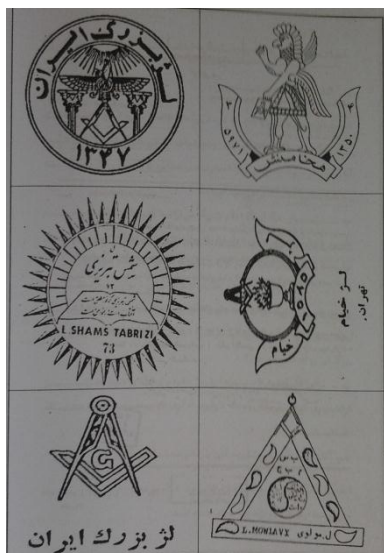
این گروه از جمله مخالفان سر سخت طریقت و آرمان‌های ماسونی بودند. تفکرات و عقاید لائیکی ماسونها و بی اعتقادی و بی تفاوتی شان در برابر شعایر دینی و همچنین وابستگی آنان به استعمارگران دلیل اصلی مخالفت این گروه با فراماسونری بود.

## ملی‌گرایان

این گروه بیشتر با یک یا چند اصل ماسونی مخالف بودند. امام محدودیت اختلافشان در « عقاید جهان وطنی » ماسونها نهفته بود. هر چند ملی‌گرایان با اندیشه‌های لائیکی ماسونها مخالفتی نداشتند، اما اندیشه‌های انترناسیونالیستی آنها و وابستگی آنها به امپریالیسم برای برانگیختن خشم ملی‌گرایان کافی بود

## صاحبان اندیشه‌های چپ و مارکسیستی

هر چند مرام مارکسیستی نیز دارای ایده « جهان وطنی » میباشد اما از آنجا که فراماسونری ساخته و پرداخته بورژوازی غرب بود از اینرو مارکسیست‌ها مرام ماسونی را وسیله‌ای برای استثمار و استعمار کشورهای ضعیف و عقب نگه‌داشته شده توسط بورژوازی غرب میدانستند. لذا آنها ماسونها را رقیب ایدئولوژیک خود میدانستند.



شکل ۷- آرמهای برخی لژهای فراماسونری

۱۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷.

## بررسی لژهای فراماسونری در عصر پهلوی<sup>۱۴</sup>

لژهای فعال در ایران تحت نظر سه مادر لژ اروپایی به نام‌های لژ بزرگ شرق فرانسه، لژ بزرگ لندن و اتحادیه بزرگ لژهای آلمانی بود. البته این شقاق و شکاف مادر لژها به معنای وجود اختلافات پایه‌ای نبود بلکه همه مادر لژها میبایستی از نظام فراماسونری انگلیس اطاعت کنند. در ادامه به معرفی اجمالی چند لژ مهم ایران میپردازیم.

### ۱- لژ همایون (پهلوی)

تشکیل این لژ نقطه عطفی در تاریخ فراماسونری در ایران در دوره پهلوی دوم بود. این لژ در زمان اوج گیری نهضت ملی گرایي و اندکی پس از ملی شدن صنعت نفت، زیر نظر گرنند لوژ اورینانت فرانسه با موافقت محمد رضا شاه و تحت رهبری محمدخلیل جواهری در سال ۱۳۳۰ ه.ش شکل



گرفت. کمی پس از تشکیل این لژ، شاه دستور تغییر اسم آن از «پهلوی» به «همایون» را صادر کرد.<sup>۱۵</sup>

از شخصیت‌های اصلی آن میتوان به محمدخلیل جواهری، احمد هومن، محمود هومن، محمدعلی شوشتری، سید ذبیح الله ملک پور، میرارسلا و بادین اشاره کرد.

شکل ۸- دکتر احمد هومن (نفر سمت راست) و برادرش دکتر محمود

هومن (نفر سمت چپ) با همسر و فرزندانشان

لژ همایون احتمالاً به دلیل دخالت مستقیم در سقوط دولت کتر مصدق و استفاده کودتاچیان از لژ به عنوان پناهگاه و ماوی خود، که به این لژ جنبه دست نشاندهی و وابستگی داده بود در سال ۱۳۳۴ منحل شد. که پس از انحلال آن حدود ۴۲ لژ در ایران تشکیل یافت<sup>۱۶</sup>

۱۴ - مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتارین ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه،

۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶

۱۵. میر، حسین، تشکلیت فراماسونری در ایران، چاپ اول، تهران، علمی، ۱۳۷۰، صص ۵۳ و ۵۴

۱۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتارین ها و لاینزهای ایران، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۷،

ج ۱، ص ۳۷

## ۲- لژ مولوی

این لوژ نیز وابسته به لوژ بزرگ ملی شرق فرانسه بود که در سال ۱۳۳۴ بعد از انحلال لژ همایون تشکیل شد. محمد خلیل جواهری و برادران هومن و محمدساعد مراغه‌ای از بانیان آن به شمار میرفتند.

لژهای دیگری که در ایران حضورموثر داشتند عبارتند از: لژ سعدی، شمس تبریزی، ابوعلی سینا، مزدا، لافرانس میتوان نام برد.<sup>۱۷</sup>

## دوره چهارم: بعد از انقلاب اسلامی<sup>۱۸</sup>

تشکیلات فراماسونری یکی از از نخستین هدف‌هایی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد حمله نیروهای انقلابی قرار گرفت. از روسا و کارگردانان تشکیلات فراماسونی در ایران، مهندس



شکل ۹- یکی از لژهای فراماسونری در انجمن رازی پس از تصرف آن توسط نیروهای انقلاب

شریف امامی استاد اعظم لژ بزرگ ایران در اواخر دی ماه ۱۳۵۷ بدون این که کسی را در غیاب خود برای سرپرستی تشکیلات فراماسونری تعیین کند، ایران را ترک گفت. نیروهای انقلاب در نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب خانه او را تصرف کردند و بسیاری از پرونده‌ها و اسناد مربوط به تشکیلات فراماسونری ایران از خانه او کشف گردید.

اما محمود هومن رئیس تشکیلات شورای عالی فراماسونری یا به اصطلاح خودشان « بزرگ فرمانروای با اختیار » این سازمان از ایران خارج نشد و روز پنجم اسفند طی نامه‌ای به کمیته انقلاب اسلامی ضمن به تشریح اصول و عقائد ماسونی پرداخت. وی در این نامه تلاش کرد تا چهره-ای کاملاً دینی از فراماسونری ارائه دهد!! و با انقلاب اسلامی اعلام همبستگی کند!؟

ولی این کار وی اثر نبخشید و لژهای فراماسونری به تسخیر نیروهای انقلاب در آمدند. در اولین سالهای بعد انقلاب فراماسونیهایی که شناخته میشدند از دولت و نظام اخراج شدند.

۱۷. همان، صص ۳۷ تا ۴۵

۱۸. طلوعی، محمود، راز بزرگ، تهران، چاپ اول، تهران، مه‌ارت، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۸۴۹ - ۸۸۵

## فراماسونهای مشهور ایران<sup>۱۹</sup>

از چهره‌های سرشناس و سیاسی ایران در دوره پهلوی و قاجار عده کثیری در لژهای فراماسونری عضو بوده‌اند که اینجا اسم برخی از آنها رو نقل میکنیم:

میر سید حسن امامی (امام جمعه)، عبدالله و نصر الله انتظام، سید حسن تقی‌زاده، محمود جم، علی اکبر دهخدا، محمد ساعد، علی سهیلی، جعفر شریف امامی، حسین علاء، محمدعلی فروغی، احمد قوام السلطنه، کمال الملک، امیرعباس هویدا و . . .

---

۱۹. طلوعی، محمود، راز بزرگ، تهران، چاپ اول، تهران، مه‌ت، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۹۳۷ - ۹۸۱